

مرز صراحت و تعارف را محترم بشماریم

ایرانی‌ها اهل تعارف کردن هستند.



ایرانی‌ها اهل تعارف کردن هستند. این رفتار اجتماعی در برخی مواقع از حدود خود خارج می‌شود و ممکن است باعث بروز مشکلاتی برای فرد و خانواده و اطرافیان او شود. مرز صراحت و تعارف کجاست؟ چرا در برخی رفتارهای اجتماعی زیاد تعارف می‌کنیم و در برخی دیگر از رفتارها مثل رانندگی اهل تعارف نیستیم و حق تقدم دیگران را رعایت نمی‌کنیم. دکتر مهرانگیز بهمن‌سنگ، استاد، جامعه‌شناس، دانشگاه الزها، گفته‌گه، با حامد به اب، سمالات پاسخ داده است

چرا ما ایرانی‌ها در بسیاری از روابط و تعاملات اجتماعی تعارف می‌کنیم، اما در برخی رفتارهای اجتماعی مثل رانندگی اهل تعارف و تقدم دیگران بر خود نیستیم؟

دلایل آن به گذشته ما برمی‌گردد. یعنی آنچه در فرهنگ ما رایج بوده؛ مثل غذا خوردن و از در بیرون رفتن... در چنین مواقعی معمولاً تعارف می‌کنیم به این معنا که دیگران را بر خود مقدم می‌دانیم، ولی در آنچه از غرب آمده و فرهنگ خاص خود را دارد اهل تعارف کردن نیستیم؛ مثل فرهنگ رانندگی و سبقت گرفتن از دیگران.

به نظر شما ما بیش از حد معمول اهل تعارف کردن نیستیم و آیا این میزان تعارف کردن در روابط اجتماعی مطلوب است؟

بعضی اوقات تعارف ناشی از رودربایستی است و راحت نمی‌توانیم حرف دلمان را بزنیم. به همین دلیل بعضاً احساس می‌کنیم طرف مقابل ممکن است حرف دلش را نزند و به همین خاطر عادت کردیم در روابط اجتماعی خود تعارف بکنیم. این رویه البته در کشور ما بیش از کشورهای دیگر مشاهده می‌شود. ممکن است وقتی به یک انسان غربی برای غذا خوردن بیش از حد تعارف کنیم، او بگوید شما به ما دستور می‌دهید و تمایل ما را در نظر نمی‌گیرید.

بالاخره فرهنگ‌های جوامع مختلف متفاوت است. در ایران ما این نوع رفتار را از نشانه‌های ادب اجتماعی می‌دانیم و بعضاً اگر کسی خیلی اهل تعارف کردن نباشد در برخی محیط‌های اجتماعی یک انسان غیرمؤدب شناخته شود.

برخی مواقع خلاف میلمان تعارف می‌کنیم. آیا این نوع رفتار که نیت با عمل فاصله دارد جزو ناهنجاری‌های اجتماعی نیست؟

باز هم تاکید می‌کنم این رفتار بخشی از فرهنگ ما محسوب می‌شود که در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک، یک رفتار پسندیده است. ما شرقی‌ها جمع‌گرا هستیم و دیگران را بر خود در برخی مواقع ترجیح می‌دهیم. در منزل غذای آماده نداریم، اما به محض این که با دوستی برخورد می‌کنیم با اصرار زیاد از او می‌خواهیم در غذای ما شریک باشد. این احتمال را هم می‌دهیم که او دعوت ما را بپذیرد، اما باز هم به او تعارف می‌کنیم. حتی با این که از امکانات لازم برخوردار نیستیم حاضریم به هر نحو ممکن تمام سعی خود را برای راضی نگه داشتن مهمان انجام دهیم.

پیوسته گر:

تعارف در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک یک رفتار پسندیده تلقی می‌شود. ما شرقی‌ها جمع‌گرا هستیم و دیگران را بر خود در برخی مواقع

خیلی اوقات موقعیت ايجاب می‌کند، در روابط اجتماعی خود صراحت داشته باشیم و در عین حال با توجه به فرهنگ پذیرفته شده جامعه اهل تعارف هم باشیم. چگونه می‌شود مرز صراحت و تعارف را حفظ کرد؟

در جامعه با افرادی روبه‌رو هستیم که به لحاظ مالی در تنگنا هستند، اما وقتی کسی از آنها پولی درخواست بکند از همه امکانات خود برای تهیه آن پول استفاده می‌کنند تا نیاز دیگری را برآورده کنند. این البته به عنوان یک فرهنگ اجتماعی پسندیده در جامعه ما شناخته می‌شود، اما در عین حال برخی مواقع تعارف کردن و نه نگفتن به خواسته دیگران باعث ایجاد مزاحمت برای خود و خانواده می‌شود و شرایط زندگی را بسیار دشوار می‌کند؛ مثلاً گاهی کاری را به کسی می‌سپارند که با توجه به توانمندی و استعداد و فرصت‌هایی که دارد امکان انجام دادن آن وجود ندارد، اما آن فرد صراحت گفتن نه را ندارد و بسیاری را دچار زحمت خواهد کرد.

این رویه اگر به صورت عادت افراد درآید به این معناست که چنین رفتاری از مرز سلامت فراتر رفته است. این افراد باید به روان‌شناس مراجعه و این ناهنجاری رفتاری را درمان کنند. این افراد باید یاد بگیرند که برخی مواقع در رفتارهای اجتماعی باید نه بگویند تا در محیط اجتماعی و افرادی که با آنها تعامل دارند، دچار مشکل نشوند. نه گفتن و نپذیرفتن مسئولیت در برخی مواقع ناشی از بی‌ادبی نیست بلکه ناشی از درک درست فرصت‌ها و امکانات است.

اشاره کردید که تعارف کردن ناشی از فرهنگی است که از گذشته تا کنون با ما بوده است. در شرایط کنونی که نسل جدید در معرض فرهنگ‌ها و فناوری‌های نوین قرار دارد و سبک زندگی نیز تا حدودی دستخوش تغییر و تحول شده، آیا نسل جدید هم

مثل گذشتگان خود تعارف می کند یا این فرهنگ کمرنگ شده است؟

شرایط متفاوت شده است. وقتی اوضاع و احوال زمانه عوض می شود، خلق و خوی مردم هم تغییر می کند. تعارف کردن هم مشمول این دگرگونی شده است. اگر مقایسه بکنید فرهنگ شهرهای بزرگ مثل تهران را با شهرهای کوچک یا تفاوتی که میان جامعه شهری با جامعه روستایی و عشایری وجود دارد، می بینید که اهالی شهرهای بزرگ به نسبت شهرهای کوچک یا روستاییان و عشایر در برخورد اجتماعی از صراحت بیشتری برخوردار هستند و در برخی مناسبت ها اهل تعارف کردن نیستند.

اگر بخواهیم فرهنگ درست تعارف را به فرزندانمان منتقل کنیم تا مرز صراحت و تعارف را درست بشناسند، از چه شیوه ای تربیتی باید استفاده کنیم؟

انتقال الگوهای تربیتی به کودکان از مسیر رفتار پسندیده ای که پدر و مادر در پیش می گیرند، ممکن است. بنابراین یادگیری فقط در سایه ارائه الگوی مناسب والدین صورت می گیرد.

فتاح غلامی

دین و زندگی